

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

یکصد وعده صادق

سپاه بیش از ۲۵ هدف راهبردی دشمنان، شامل ۱۳ مجتمع انرژی و خطوط انتقال نفتی وابسته به آمریکا و رژیم صهیونی و ۱۰ هدف نظامی، امنیتی و لجستیکی و چندین هدف فناوری و زیرساخت‌های راه دشمنان را زیر ضرب قرار داد.

۲



باتوجه به حمله دشمن به مناطقی از ایران و لبنان لازم است نیروهای مسلح ایران مجدداً ممنوعیت تردد کشتیرانی در تنگه هرمز را در دستور کار قرار دهند؛

پایان آتش بسی



تنگه هرمز کلید خنثی‌سازی تحریم‌ها

۵

صفحه ۳

سیاسی

حلقه مفقوده آتش بسی

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

آتش بسی نیازمند مراقبت‌های شدید مسئولان؛

ملاحظات بلند برای آتش بسی کوتاه

صفحه ۱۱

فرهنگی

نقطه زنی میثاقی



آتش بسی بدون اجرا؛ بازی بازمان

ده بند پیشنهادی ایران باید معیار قضاوت درباره هرگونه آتش بسی باشد. مطالبه نخست روشن است: توقف کامل هرگونه تجاوز علیه ایران و همه گروه‌های مقاومت. آتش بسی که در آن فشار یا حمله به یکی از اضلاع این جبهه ادامه یابد، اساساً آتش بسی نیست. مسئله حزب‌اللهی خط قرمز روشن است. هرگونه اقدام علیه حزب‌الله نقض آشکار این چارچوب و زیر سؤال بردن اصل آتش بسی است و ایران نمی‌تواند در برابر چنین اقدامی سکوت کند. اگر قرار است آتش بسی واقعی شکل بگیرد، باید شامل توقف اقدامات خصمانه علیه همه اضلاع مقاومت باشد.

متن کامل در صفحه ۳

جزئیاتی از موج ۱۰۰ وعده صادق ۴ توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد؛

یکصد وعده صادق

صادق ۴، اهداف مورد نظر در امتداد سواحل مدیترانه تا شرق شبه جزیره حجاز را زیر آتش پرچم خود قرار دادند.

همزمان با اعلام عقب نشینی آمریکا و پذیرش شروط ۱۰ بندی ایران، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با آغاز موج یکصد عملیات وعده



خود دیدند؛ چا دارد که عبرت بگیرند و به همکاری با دشمنان اسلام پایان دهند. دشمن همیشه نیرنگ زده است و هیچ اعتمادی به وعده‌های او نداریم و هر تجاوز را با سطحی بالاتر پاسخ خواهیم داد.

پاسخ سریع نیروهای مسلح

در حمله دشمن به پالایشگاه لاوان

حوالی ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه، تاسیسات پالایشگاه نفت لاوان واقع در جزیره لاوان مورد تهاجم ناچوانمردانه دشمنان قرار گرفت. براساس گزارش‌های منتشر شده، پیش از اصابت مستقیم، یک فروند موشک در نزدیکی این تاسیسات فرود آمد که موجب فعال شدن فوری پروتکل‌های ایمنی و تخلیه کامل کارکنان واحدها شد.

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این تهاجم «ناچوانمردانه» از سوی دشمنان صورت گرفت که با تخلیه به موقع کارکنان تاکنون تلفات جانی گزارش نشده است. در واکنشی سریع به این اقدام، نیروهای مسلح ایران با شلیک موشک و پهپاد، اهداف مشخصی در خاک امارات و کویت را مورد حمله قرار دادند.

بیش از ۲۵ هدف راهبردی دشمنان خبیث و متجاوز، شامل ۱۳ مجتمع انرژی و خطوط انتقال نفتی وابسته به آمریکا و رژیم صهیونی و ۱۰ هدف نظامی، امنیتی و لجستیکی و چندین هدف فناوری و زیرساخت‌های راه دشمنان، ضربات دندان شکنی وارد ساختند.

در این موج عملیاتی در تقدیم به رهبر شهیدمان حضرت آیت‌الله‌عظمی امام خامنه ای رزمندگان نیروی پرافتخار هوافضای سپاه پاسداران اهداف دشمنان آمریکایی و صهیونیستی از سواحل مدیترانه تا شرق شبه جزیره حجاز را زیر آتش پرچم وارد ساختند تا دشمن احمق بفهمد حمله به زیرساخت‌های مردم ایران مجازات سنگینی خواهد داشت.

اکنون پاسداران فدایی ملت ایران گوش به فرامین فرماندهی معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله‌عظیم مجتبی خامنه ای داشته و دستشان روی ماشه است و با اندوخته‌های بزرگ از تبحر دو جنگ تحمیلی با جبهه مشترک آمریکایی صهیونی آماده‌اند در صورت خطای مجدد محاسباتی دشمن و حماسه‌ای بزرگتر را بیافرینند. شرکای آمریکایی در منطقه ناتوانی آمریکا و رژیم صهیونیستی را به چشم

امیرحسین درکی

روزنامه نگار

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای از عملیات کوبنده نیروی های مسلح ایران علیه اهداف دشمن آمریکایی- صهیونیستی خبر داد.

در متن این اطلاعیه آمده است:

ملت غیور و تاریخ ساز ایران اسلامی؛ حضور خالصانه و حیرت برانگیز ۴۰ شبانه روزی شما در خیابان‌های میهن اسلامی ایران حماسه‌ای تاریخی و بی مثال را آفرید و افتخاری بی نظیر را در تاریخ این سرزمین کهن و جهان جدید خلق کردید.

اخلاص، جهاد، فداکاری، بصیرت، بی‌شک و عالی و فهم عالمانه همراه با وحدت، وفاداری و عشق بازی با ولایت را توأمان به نمایش گذاشتید. فرزندان و خادمان مجاهد شما در سپاه و بسیج شب گذشته با فضل الهی و مدد پشتیبانی‌های شما ملت عزیز، در پاسخ به گستاخی‌های روز گذشته دشمن، فداکارانه در شب گذشته حق مطلب را بجا آوردند و در یکصدمین موج عملیات وعده صادق ۴ با رمزی فاطمه الزهرا با تهاجم به

خبر کوتاه

نماز جمعه این هفته تهران در مرقد مطهر امام خمینی (ره) برگزار می‌شود

ستاد نماز جمعه تهران: در ادامه برگزاری سلسله مراسمات اربعین شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌عظمی امام خامنه‌ای (قدس‌الله نفسه الزکیه) و به منظور پاسداشت و تکریم مقام ولای شهیدان انقلاب اسلامی به ویژه شهدای عزیز جنگ رمضان، نماز جمعه تهران مورخ ۲۱ فروردین ۱۴۰۵ در جوار مرقد مطهر امام خمینی رضوان‌الله‌عالی علیه به امامت حجت الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری برگزار می‌گردد.

محسن رضایی: دست نیروهای مسلح روی ماشه است

محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در صفحه اجتماعی خود نوشت: پس از سه مرتبه عقب نشینی، در نهایت، رئیس جمهور گنده گوی آمریکا با مقاومت آحاد ملت غیرتمند، نیروهای مسلح سلحشور و تدبیرمقدردانه رهبر معظم انقلاب، ناچار به پذیرش طرح ۱۰ ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای مذاکره شد. با این وجود، دست نیروهای مسلح تا اطمینان کامل از تامین منافع کشور روی ماشه است.

فرمانده کل ارتش: تعرض به این مرزو بوم با پاسخی کوبنده مواجه می‌شود

امیرسرلشکر «امیرحاجی» به مناسبت ایستادگی قهرمانانه، حماسی و ستودنی ۴ نفر از افسران شجاع نیروی زمینی ارتش و به شهادت رسیدن آن‌ها، در مقابله با هواگردهای دشمن در جنوب اصفهان در پیامی نوشت: هرگونه تعرض به این مرزو بوم، در سایه قدرت لایزال الهی، با پاسخی کوبنده و پشیمان کننده مواجه خواهد شد و شعله‌هایش، کاخ آمال و توطئه‌های آنان را درهم خواهد پیچید.

سپهر خلجی: پیروز جنگ را در تناسب با اهدافش می‌سنجند

رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم در صفحه شخصی خود نوشت: به هیچ تعهدی از ترامپ جنایتکار نمی‌توان و نباید اعتماد کرد و دیر یا زود به دست قدرت الهی تنبیه خواهد شد. اما در همه معادلات، پیروز جنگ را در تناسب با اهدافش می‌سنجند نه با میزان خسارتها. یقیناً هیچ یک از اهداف اعلامی ترامپ محقق نشد. حتی اگر میزان خسارتها هم ملاک باشد. با زهم آمریکای ترامپ شکست خورده قطعی این میدان است. چه شکستی بالاتر از فرو ریختن آبرو و هیمنه آمریکا در پیش چشم دنیا؟ شکستی که تقریباً همه صاحب نظران بین‌المللی حتی در خود آمریکا به آن اذعان دارند.

فواد ایزدی: ایران پایان ابرقدرتی آمریکا را رقم زد

فواد ایزدی کارشناس مسائل آمریکایی گفتگویی تلویزیونی با اشاره به شکست راهبردی آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران، اظهار داشت: شکست اخیر آمریکا یک شکست مفتضحانه و پایان ابرقدرتی آمریکا است. دیگر حتی خود آمریکایی‌ها هم به این یقین رسیده‌اند که آمریکای سابق بازمی‌گردد. آمریکا ۱۰۰ برابر ایران هزینه نظامی دارد، اما فکری کرد می‌تواند ظرف سه روز حکومت ایران را تغییر دهد؛ در حالی که ۴۰ روز گذشته نتوانسته است.

سیاسی

کساد در بازار وطن‌فروشی



به دنبال حملات زیرساختی جبهه آمریکایی- صهیونیستی علیه ایران اسلامی و بالا رفتن تعداد شهدای غیرنظامی من جمله کودکان میناب، ماهیت ایران ستیز شبکه‌های تروریستی وابسته به سلطنت طلیان که در حمایت از حمله دشمن به غیرنظامیان و زیرساخت‌های کشور در آمده بودند، بر همگان عیان شد. شبکه‌های تروریستی معاند با مانور بر این نکته که جبهه آمریکایی و صهیونیستی صرفاً به دنبال اهداف نظامی است و کاری با غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی کشور ندارد، به دنبال همراهی مردمی بودند، اما در بحبوحه تشدید جنگ زیرساختی و هدف قرار گرفتن مناطق غیرنظامی، با کاهش حمایت‌ها مواجه شدند، تا آنجا که بعد از نشر اخبار حمله به اهداف غیرنظامی با واکنش گسترده و منفی کاربران از طریق «زی‌اکشن» تلگرامی مواجه شد. در همین راستا کانال تلگرامی «مملکت» که تحت حمایت مزدوران سلطنت طلب اداره می‌شود اقدام به بستن امکان درج واکنش مخاطبین بر پست‌های وطن فروشان این کانال کرد. پیش‌تر نیز مراد ویسی و برخی دیگر از اعضای شبکه اینترنشنال، توییت‌هایی که در آنها خواستار حمله آمریکا به ایران شده بودند، پس از افزایش گسترده واکنش‌های منفی، حذف کردند. از جمله توییتی که درباره بودجه ۲۰۰ میلیارد دلاری آمریکا برای حمله به ایران زده شده بود

پایان آتش بس



آتش بس ۱۴ روزه که با درخواست آمریکا و با وساطت پاکستان، بامداد روز چهارشنبه آغاز شده بود، با خباثت رژیم صهیونیستی تنها چند ساعت دوام آورد. حمله به مناطقی در تهران و همچنین حملات گسترده و جنایتکارانه رژیم صهیونی به مناطقی در لبنان که صدها شهید و زخمی در پی داشته، عملاً آتش بس را به بن بست کشانده است. به اینها باید حمله بامداد چهارشنبه دشمنان به جزیره لاوان و تاسیسات آن منطقه را نیز افزود.

با توجه به وجود بند توقف حملات به ایران و محور مقاومت در شروط ایران برای آتش بس، به نظر می‌رسد اکنون دیگر باید این موضوع را خاتمه یافته دانست؛ بر این اساس لازم است نیروهای مسلح ایران مجدداً ممنوعیت تردد کشتیرانی در تنگه هرمز را در دستور کار قرار دهند.

پیروزی آشکار ایران در جنگ، می‌توانست پایان بندی بهتری داشته باشد؛

حلقه مفقوده آتش بس

پیروزی قاطع ایران در جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی، یک نقطه عطف ماندگار و تاریخی برای مردم و تمدن کشورمان رقم زد. برد ایران در این نبرد نامتوازن، جایگاه ایران در نظام منطقه‌ای و جهانی را چند پله ارتقا داد اما به نظری رسد نوع پایان بندی جنگ و اعلام آغاز آتش بس ۱۴ روزه، ظرافت‌های لازم را رعایت نکرده و لایه‌هایی از مردم فداکار ایران را با دلسردی مواجه ساخته است.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

و تجزیه کشور و یا حداقل جنگ داخلی و بی ثباتی ایران را می‌خواستند؛ در نهایت اما هیچکدام محقق نشد و مطالبه آمریکا، بازگشایی تنگه هرمز توسط ایران تعریف شد! تنگه‌ای که پیش از جنگ باز بوده و تردد کشتیرانی آن بدون هیچگونه چالش و مانعی در جریان بود.

با وجود اینها به نظر می‌رسد تدبیر برخی

مسئولان برای پیکربندی پایان این مصاف، واجد ضعف‌هایی بود؛ از غافلگیری عجیب مردم حاضر در میدان تارد هرگونه مذاکره و یا پذیرش آتش بس موقت ولو تا ساعات قبل از آتش بس. حتی پس از توهین‌های وقیحانه ترامپ به ملت قهرمان ایران اعلام شد که ایران در پاسخ به تهدیدات و توهین‌های رئیس‌جمهور آمریکا، ایران تمام کانال‌های ارتباطی دیپلماتیک و غیرمستقیم با ایالات متحده را بسته و هرگونه تبادل پیام نیز به حالت تعلیق درآمده است.

گذشته از همزمانی اعلام آتش بس میان طرفین با موعد ضرب‌الاجل ترامپ علیه زیرساخت‌های ایران که باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد، عدم توجه و افتناع مردم فداکار حاضر در میدان قابل نقد است. مهمترین سرمایه کشور، پشتوانه عظیم مردمی نظام اسلامی است که در

نه تنها افکار عمومی ایران بلکه عموم رسا نه‌ها و چهره‌های صاحب‌نظر منطقه‌ای و جهانی، ایران را پیروز جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌دانند. موضوعی بین‌واشکار که مقایسه وعده‌های اعلامی و اعمالی متجاوزین با خروجی جنگ ۴۰ روزه آن را تثبیت می‌کند.

تضعیف توان نظامی دریایی و موشکی ایران و همچنین تسلیم بی‌قید و شرط کشورمان از جمله موارد مصرح در اظهارات ترامپ در ابتدای جنگ بود؛ البته که اهداف اصلی دشمن فراتر از اینها بوده و سرنگونی نظام مستقر

یادداشت

آتش بس بدون اجرا؛ بازی با زمان

علیرضا تسلیمی
روزنامه نگار

آتش بس دو هفته‌ای اگر قرار است معنایی داشته باشد، باید با تحقق کامل و روشن شروط ایران همراه شود؛ در غیر این صورت، بیشتر شبیه وقفه‌ای تاکتیکی برای طرف مقابل است تا گامی واقعی به سمت توقف تجاوزات. تجربه نشان داده که آتش بس‌های مبهم، اغلب به فرصتی برای تجدید قوا، بازآرایی نیروها و طراحی فشارهای تازه تبدیل می‌شوند. از همین رو، هر طرحی که تحت عنوان آتش بس یا توقف تجاوزات مطرح می‌شود، باید بر پایه تعهدات شفاف و قابل راستی‌آزمایی استوار باشد، نه وعده‌هایی کلی که در عمل قابلیت تفسیرهای متفاوت پیدا می‌کنند.

به همین دلیل، ده بند پیشنهادی ایران باید معیار قضاوت درباره هرگونه آتش بس باشد. مطالبه نخست روشن است: توقف کامل هرگونه تجاوز علیه ایران و همه گروه‌های مقاومت. آتش بسی که در آن فشار یا حمله به یکی از اضلاع این جبهه ادامه یابد، اساساً آتش بس نیست. امنیت منطقه‌ای زمانی معنا پیدا می‌کند که اصل عدم تجاوز به صورت واقعی و بدون استثنا اجرا شود.

در همین چارچوب، خروج نیروهای رزمی آمریکا از منطقه و ممنوعیت هرگونه حمله از پایگاه‌های نظامی به ایران، یک شرط حداقلی برای سنجش جدیت طرف مقابل است. حضور نظامی گسترده و آرایش تهاجمی در منطقه با ادعای آتش بس سازگار نیست و نمی‌تواند نشانه‌ای از اراده واقعی برای کاهش تنش تلقی شود. عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز نیز باید در چارچوب پروتکل عبور امن و تحت قواعد مشخص ایران انجام شود؛ نه آنکه این مسیر به ابزاری برای فشار یا سوءاستفاده تبدیل گردد.

از سوی دیگر، آتش بس بدون پایان فشار اقتصادی معنایی ندارد. لغو کامل تحریم‌های اولیه و ثانویه، رفع تحریم‌های سازمان ملل و جبران خسارات ایران از طریق یک سازوکار مالی مشخص، باید بخشی از هر توافق واقعی باشد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که حفظ ساختار تحریم‌ها در کنار ادعای گفت‌وگو، عملاً به معنای تداوم همان سیاست فشار با ظاهری متفاوت است.

در پرونده هسته‌ای نیز توازن شرط اصلی است: ایران تعهد خود به عدم ساخت سلاح هسته‌ای را اعلام کرده، اما در مقابل حق غنی‌سازی کشور باید به رسمیت شناخته شود و قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت خاتمه یابد و همه تعهدات در قالب قطعنامه رسمی سازمان ملل تثبیت شود. تنها در چنین چارچوبی می‌توان از یک توافق پایدار و قابل اتکا سخن گفت.

در این میان، مسئله حزب‌اللهک خط قرمز روشن است. هرگونه اقدام علیه حزب‌الله نقض آشکار این چارچوب و زیرسؤال بردن اصل آتش بس است و ایران نمی‌تواند در برابر چنین اقدامی سکوت کند. اگر قرار است آتش بسی واقعی شکل بگیرد، باید شامل توقف اقدامات خصمانه علیه همه اضلاع مقاومت باشد.

جمع بندی روشن است: آتش بس بدون تحقق این ده بند، چیزی بیش از یک وقفه کوتاه در روند فشارها نخواهد بود. اگر اراده‌ای برای کاهش واقعی تنش وجود دارد، معیار آن روشن است؛ اجرای کامل همین مطالبات.



این جنگ در یک تقسیم کار نانوخته و تاریخی با زعمندگان مجاهد ایران، خیابان و میدان رادر کنار یکدیگر مدیریت و تمامی نقشه‌های شوم دشمن را باطل کردند. شایسته بود برای پایان بندی جنگ، این مولفه مهم فراموش نشود.

از یاد نبریم روند‌های منتهی به لحظه آتش بس، سراسر تصاعدی و ذیل گزاره تشدید تنش تعریف می‌شده و نه کاهش آن. همین روند، انتظارات بحق مردم انقلابی ایران برای تداوم جنگ و تنبیه متجاوزین را بالا برده بود؛ در چنین شرایطی انتشار خبر آتش بس، در لایه‌هایی از جامعه نوعی شوک و حتی دلخوری پدید آورد و این سوال مطرح شد که چنانچه چند روز و بلکه چند هفته مذاکرات غیرمستقیم و تبادل پیام از کانال‌های مختلف جریان داشت، چطور هرگونه آتش بس و یا مذاکره و توقف جنگ انکار می‌شد.

عدد خبر ۴۳

مدیر کل دفتر حمل و نقل کالای سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای از جابه‌جایی ۴۳ میلیون و ۵۷۵ هزار تن کالا در بازه زمانی ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۵ خبر داد. مهرداد حمداللهی از صدور ۲ میلیون و ۷۹۱ هزار بارنامه برای ناوگان حمل کالای طی بازه زمانی فوق خبر داد و افزود: جابه‌جایی دو میلیون و ۷۶۳ هزار تن کالای اساسی در سطح شبکه راه‌های کشور طی این مدت، از افزایش ۳۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر می‌دهد. وی تأکید کرد: با تداوم فعالیت شرکت‌های حمل و نقل کالای و تلاش بی‌وقفه رانندگان غیور فعال در این حوزه، عملیات جابه‌جایی کالا با استفاده از ناوگان حمل و نقل عمومی در سطح راه‌های کشور در حال انجام بوده است.

عدد خبر ۳۶۴

عامنه بکر، تحلیلگر ارشد کپلر پس از آتش‌بس دو هفته‌ای ایران با آمریکا و رژیم صهیونی، اعلام کرد که در حال حاضر ۱۸۲ کشتی حامل نفت خام و فرآورده‌های نفتی در خلیج فارس در انتظار دریافت مجوز عبور از تنگه هرمز هستند. به گفته او، مجموع محموله این کشتی‌ها حدود ۱۷۲ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی برآورد می‌شود. بکر همچنین اشاره کرد که اگر برای عبور هر کشتی از تنگه هرمز حدود ۲ میلیون دلار عوارض در نظر گرفته شود، مجموع درآمد حاصل از عبور این ۱۸۲ کشتی می‌تواند به حدود ۳۶۴ میلیون دلار برسد. با این حال با احتساب ۲ میلیون دلار عوارض هر کشتی برای عبور از تنگه، ایران ۳۶۴ میلیون دلار درآمد خواهد داشت.

عدد خبر ۷۵

آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) اعلام کرد که کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در آسیا و آفریقا، شدیدترین ضربات را از بحران انرژی ناشی از جنگ علیه ایران متحمل خواهند شد. فاتح بیرونی، مدیر اجرایی آژانس درباره وضعیت زیرساخت‌های منطقه گفت: ۷۵ تأسیسات انرژی در جریان جنگ آسیب دیده که بیش از یک‌سوم آنها تخریب‌های شدید و بسیار شدید داشته است. حتی در صورت بازگشایی تنگه هرمز، بازگشت عرضه نفت به سطح پیش از جنگ زمان‌بر خواهد بود. عراق دو سوم درآمدهای نفتی خود را از دست داده است. وی پیش‌بینی کرد که این بحران ممکن است به تحولات ساختاری در نظام انرژی جهانی منجر شود.

عدد خبر ۱۴

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران، اعلام کرد: با توجه به شرایط بارش در کشور، برداشت انبوه گندم تا حدی به تأخیر افتاده است. در حال حاضر برداشت جزئی گندم از استان‌های خوزستان، جنوب فارس و سیستان و بلوچستان آغاز شده و انتظار می‌رود از پایان هفته جاری، برداشت کلی این محصول شروع شود. عطاالله هاشمی، با اشاره به خودکفایی کشور در تولید گندم امسال، تصریح کرد: برآوردها حاکی از آن است که برداشت گندم به بالای ۱۳ تا ۱۴ میلیون تن برسد که بر این اساس، خرید تضمینی به ۱۱ میلیون تن خواهد رسید. خرید تضمینی گندم از هفته آینده آغاز خواهد شد و بر این اساس، آمار مربوط به خرید این محصول به‌زودی اعلام خواهد شد.

نگاهی به خصوصی‌ترین بخش اقتصاد ایران نشان می‌دهد؛

کشاورزی در خط مقدم اقتصاد مقاومتی

جمهوری اسلامی ایران به واسطه تجربه سال‌های متمادی تحریم، جنگ و فشارهای اقتصادی، به سطحی از خوداتکالی و انعطاف‌پذیری رسیده که آن را در زمره اقتصادهای مقاوم در برابر شوک‌های بیرونی قرار داده است. این تجربه انباشته نه تنها موجب تقویت زیرساخت‌های تأمین کالاهای اساسی شده، بلکه الگوی رفتاری جامعه را نیز با شرایط خاص تطبیق داده است. از این منظر، تاب‌آوری اقتصادی ایران را می‌توان به‌عنوان یک مزیت راهبردی در مدیریت شرایط جنگی تلقی کرد؛ مزیتی که در بزنگاه‌های حساس، توان حفظ پایداری داخلی و حتی اثرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و جهانی را دارد.

برای کشورهای که به‌شدت به واردات مواد غذایی وابسته‌اند، راه‌همزمان محقق کند. کشاورزی ستون فقرات امنیت غذایی است. کشوری که بتواند نان، لبنیات، پروتئین، میوه و سبزی مورد نیاز مردم خود را با اتکا بر تولید ملی تأمین کند، وابستگی ارزی‌اش کاهش می‌یابد و در برابر تکان‌های بین‌المللی، جنگ‌های تجاری، تحریم‌ها و بحران‌های زنجیره تأمین جهانی، کمتر آسیب‌پذیر خواهد بود. این معنای عملی اقتصاد مقاومتی در حوزه غذا در مورد مقاومت کردن سفره مردم در برابر اراده و فشارهاست. در عین حال، کشاورزی اشتغال‌زایی به‌عنوان خصوصی‌ترین بخش اقتصاد ایران، در مناطق روستایی و محروم، نقش مهمی در کاهش نابرابری، جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه و حفظ ثبات اجتماعی دارد؛ ثباتی که خود یکی از پایه‌های امنیت ملی است.

برای کشورهای که به‌شدت به واردات مواد غذایی وابسته‌اند، راه‌همزمان محقق کند. کشاورزی ستون فقرات امنیت غذایی است. کشوری که بتواند نان، لبنیات، پروتئین، میوه و سبزی مورد نیاز مردم خود را با اتکا بر تولید ملی تأمین کند، وابستگی ارزی‌اش کاهش می‌یابد و در برابر تکان‌های بین‌المللی، جنگ‌های تجاری، تحریم‌ها و بحران‌های زنجیره تأمین جهانی، کمتر آسیب‌پذیر خواهد بود. این معنای عملی اقتصاد مقاومتی در حوزه غذا در مورد مقاومت کردن سفره مردم در برابر اراده و فشارهاست. در عین حال، کشاورزی اشتغال‌زایی به‌عنوان خصوصی‌ترین بخش اقتصاد ایران، در مناطق روستایی و محروم، نقش مهمی در کاهش نابرابری، جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه و حفظ ثبات اجتماعی دارد؛ ثباتی که خود یکی از پایه‌های امنیت ملی است.

در کنار این مسائل، ساختارهای حمایتی و تنظیم‌گری نیز گاه به‌جای آن که انگیزه تولید هدفمند و صادرات محور را تقویت کنند، موجب بی‌ثباتی تصمیم‌گیری در میان کشاورزان می‌شوند. توسعه کشت‌های گلخانه‌ای، اصلاح الگوی کشت، استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری، تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه بذری، نهاده، تجهیزات و فرآوری، و شکل‌گیری زنجیره‌های یکپارچه تولید تا صادرات، می‌تواند کشاورزی ایران را به ستون واقعی اقتصاد مقاومتی بدل کند. در این مسیر، سیاست‌گذاری باید به‌گونه‌ای باشد که کشاورز احساس کند در یک راهبرد ملی بلندمدت مشارکت دارد، نه آن‌که هر سال زیر سایه تصمیم‌های کوتاه‌مدت و متغیر قرار گیرد.

اگر اقتصاد مقاومتی را به معنای مقاوم‌سازی کشور در برابر تهدیدها و تبدیل تهدید به فرصت بدانیم، کشاورزی به‌عنوان مردمی‌ترین بخش اقتصاد ایران یکی از میدان‌های اصلی تحقق این معناست که می‌توان آن را به افزایش قدرت اقتصادی و تحکیم امنیت ملی و وحدت ملی تبدیل کرد.



محمدحسین علی‌اکبری

روزنامه‌نگار

نقش اقتصاد مقاومتی در جنگ

بخش کشاورزی ایران در چارچوب شعار امسال «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» جایگاهی راهبردی و تعیین‌کننده دارد؛ به‌ویژه وقتی مسئله تأمین غذای پایدار برای مردم ایران و حتی تغذیه کشورهای همسایه و منطقه مطرح است. در شرایطی که اقتصاد کشور تحت تحریم‌ها قرار دارد، کشاورزی بیش از یک فعالیت تولیدی، می‌تواند ابزاری برای دفاع اقتصادی و افزایش نفوذ منطقه‌ای باشد.

کشورمان با تنوع اقلیمی کم‌نظیر، امکان تولید محصولات متنوعی از گندم، جو و دانه‌های روغنی تا میوه، سبزی، خشکبار و محصولات گلخانه‌ای را داراست که سالانه حدود ۱۳۰ میلیون تن محصول تولید می‌شود. این ظرفیت طبیعی اگر در چارچوب اقتصاد مقاومتی سامان یابد، می‌تواند دو کارکرد اساسی تأمین امنیت غذایی داخلی و کاهش وابستگی به واردات و تبدیل ایران به یکی از بازیگران مهم بازار غذای منطقه‌ای، به‌ویژه مقاومتی است.

یادداشت

باید های اقتصاد پس از جنگ تحمیلی سوم

محمدجواد توکلی
کارشناس اقتصادی

ایران ۴۰ روز نه تنها در مقابل هجوم ناچوانمردانه آمریکا و رژیم صهیونیستی مقاومت کرد؛ بلکه در جنگ جهانی با همه دشمنان پیدا و پنهان خود جانانه جنگید و هم‌اینک شیپور پیروزی نواخته شده است.

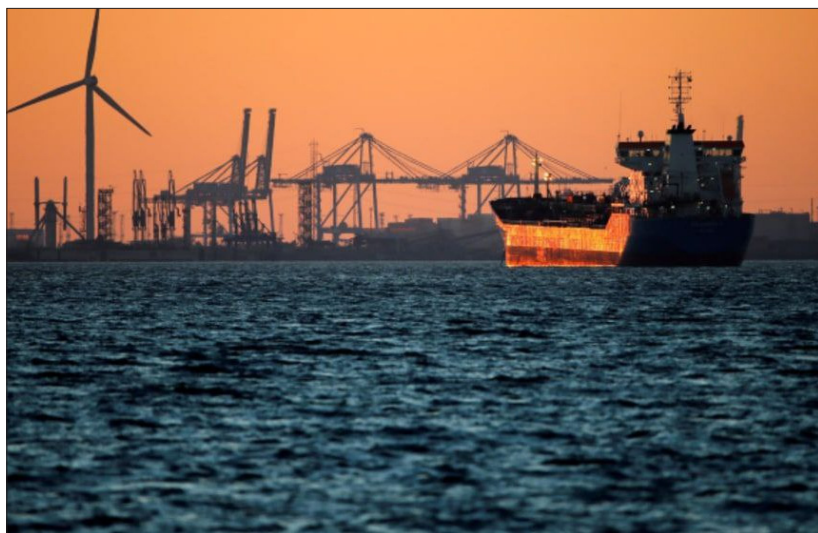
یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایران در این جنگ، ایجاد زمینه برای تسلط بر تنگه هرمز بود که ساختار تحریم‌های ظالمانه علیه کشور را از هم می‌شکند؛ ایران نه تنها هزینه بازسازی را از تنگه هرمز درمی‌آورد، بلکه درآمدی پایدار برای ادامه مسیر رشد شتابان خود کسب خواهد کرد.

ایران بعد از جنگ رمضان دیگر ایران قبلی نیست؛ قدرتی است منطقه‌ای و بین‌المللی که به صورت فعال تحولات جهان را رقم می‌زند. ایران نه تنها یک وجب از خاک خودش را از دست نداد، بلکه بر اقتدار خویش در منطقه و جهان افزود. دشمنان ما خون‌های زیادی را به ناحق ریختند که تاوان آن را در آینده خواهند داد. حال با فروکش کردن جنگ، مباحث اقتصاد پس از جنگ بسیار مهم است.

در این زمینه محورهای زیر حائز اهمیت است: توقف سیاست‌های گران‌ساز: در شرایط پس از جنگ تمامی سیاست‌های گران‌ساز از جمله سیاست گران‌ساز انرژی و گندم متوقف شود. بازسازی صنایع آسیب‌دیده: باید برنامه‌ریزی سریعی برای بازسازی زیرساخت‌ها و صنایع آسیب‌دیده داشته باشیم، در این راستا باید از ظرفیت سرمایه مردم و همچنین بانک‌ها استفاده جدی کرد.

تدوین متمم بودجه ۱۴۰۵: قانون بودجه امسال باید با توجه به وضعیت پس از جنگ و ضرورت افزایش بودجه عمرانی برای بازسازی، بازنگری شود.

تغییر نقشه تجاری کشور: در نقشه تجاری جدید، کشورهای متخاصم مانند امارات، بحرین و دیگر کشورهای غیر دوست منطقه نباید جایی داشته باشند. باید سهم عمان، پاکستان، افغانستان و سایر دوستان همسایه در تجارت کشور افزایش یابد.



پورا برهیمی در گفت و گو با نوبنیاد؛

تنگه هرمز کلید خنثی سازی تحریم ها

حال با تحولات اخیر در منطقه و افزایش تنش ها، جایگاه ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهم ترین اهرم های اقتصادی و امنیتی ایران در این شرایط، تسلط بر شاهراه حیاتی تنگه هرمز است، زیرا روزانه حدود ۲۰ درصد نفت دنیا و بخش عظیمی از انرژی و محصولات پتروشیمی از این آبراه سرزمینی عبور می کند. در همین راستا، با محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت و گو کردیم که در ادامه می خوانید.

محسن نظری

روزنامه نگار

مسیر خود را طی کند، ایران بزرگ ترین ابزار را برای خنثی سازی تحریم ها در دست خواهد گرفت؛ به گونه ای که اساساً تحریم ها دیگر موضوعیتی نخواهند داشت. با استفاده از این اهرم اقتصادی، جایگاه و اثرگذاری تحریم ها در نظام اقتصادی ما کاملاً تغییر خواهد کرد و این اتفاق بسیار بزرگ و اثرگذار است. بزرگ ترین دستاوردی که موازنه قدرت را تحت تاثیر قرار داد و باعث استیصال آمریکایی ها در مقابل جمهوری اسلامی ایران شد، ظهور همین ابزار قدرتمند اقتصادی در کنار توانمندی های نظامی است. این مسئله بسیار حائز اهمیت است و امروز یکی از مهم ترین مصداق ها و دستاوردهای آن، موضوع حاکمیت بر تنگه هرمز است. سالانه بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار کالا از این منطقه عبور می کند و اهمیت این جایگاه در حوزه انرژی، کالاهای اساسی و حتی تأمین مواد و اقلام مورد نیاز کشورهای حاشیه خلیج فارس (و نه فقط صادرات) کاملاً مشخص است. بنابراین، این آبراهه جایگاه بسیار مهمی دارد و این بدان معناست که جمهوری اسلامی ایران وارد فضای جدیدی شده است؛ فضایی که به کشور اجازه می دهد با رویکردی کاملاً مقتدرانه تر نسبت

به گذشته عمل کند، به طوری که اساساً دیگر بازگشتی به شرایط قبل از اسفندماه نخواهیم داشت. مسیر آینده ایران به گونه ای پیش خواهد رفت که هم معادلات منطقه ای را در عرصه روابط بین الملل به نفع خود تغییر دهد و هم با مدیریت این فضا، منابع درآمدی پایدار برای کشور ایجاد کند.

آیا ایران برای اخذ این عوارض و اعمال حاکمیت بر این آبراه با موانع قانونی از منظر حقوق بین الملل مواجه است؟

مانع حقوقی وجود ندارد. این آبراه میان کشور عمان

و جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و از آنجا که تردد ها در محدوده آب های سرزمینی دو کشور انجام می شود، مدیریت، اداره و تأمین امنیت این منطقه با هزینه های همراه است که کشورهای میزبان حق دارند آن را جبران کنند. این رویه در سایر آبراه های استراتژیک جهان مانند کانال پاناما و کانال سوئز نیز در حال انجام است و از نظر حقوقی و قانونی کاملاً توجیه بین المللی دارد. زمانی که شما این حق را در چارچوب قوانین بین المللی اعمال و اجرا کنید، به رویه قانونی تبدیل می شود و هر کشوری که مخالف باشد باید مسیرهای قانونی اعتراض را طی کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس امروز به خوبی درک کرده اند که دوران اتکا به آمریکا به سر آمده و واشنگتن نمی تواند برای آن ها امنیت پایدار به ارمغان بیاورد. معتقدم در آینده نزدیک، شرایط برای گسترش همکاری های اقتصادی و منطقه ای با این کشورها کاملاً فراهم خواهد شد.

برای اجرایی شدن این حق، آیا نیاز به قانون گذاری در مجلس شورای اسلامی است یا دولت می تواند مستقلاً اقدام کند؟

مجلس می تواند با ورود به این موضوع، دولت را مکلف کند تا در چارچوب حقوق بین الملل تصمیمات لازم را اتخاذ کند، البته دولت نیز به نوبه خود اختیار دارد تا در این زمینه مصوباتی داشته باشد؛ اما مسلماً وقتی این موضوع تبدیل به قانون مجلس شود، پشتوانه محکم تری خواهد داشت و با تغییر دولت ها و نگاه های سیاسی مختلف، دستخوش تغییر و تحولات نخواهد شد.

با توجه به توقف جنگ، احتمال اینکه این دستاورد استراتژیک در میز مذاکره وجه المصلحت قرار گیرد و تنگه هرمز به



شرایط پیشین بازگردد؟

یکی از پیشنهاد های کلیدی و خطوط قرمزی که ایران همواره پیگیری کرده، موضوع حاکمیت و اداره کامل بر حوزه آبراه های تنگه هرمز است. ما باید بخش های اقتصادی مرتبط با این موضوع را در کنار ابعاد حقوقی و امنیتی آن ببینیم. تیم مذاکره کننده ما حتماً باید این مسئله را به عنوان یکی از بندهای اصلی اقتصادی در متن مذاکرات لحاظ کند تا دستاوردهای امنیتی به انتفاع اقتصادی برای کشور منجر شود.

در خصوص ساز و کار دریافت این عوارض، چه رویکردی باید اتخاذ شود؟

تعیین نوع ارز پرداختی به جزئیات اجرایی طرح بازمی گردد. اما نکته راهبردی این است که اگر ما قصد داریم اقتصاد خود را در برابر فشار های آمریکا مقاوم کنیم، «دلار زدایی» باید هم در اقتصاد داخلی و هم در تجارت منطقه ای و جهانی مبنای عمل ما قرار گیرد. همان طور که کشورهای چین و روسیه در حال ایجاد ساز و کار های مالی جایگزین هستند، ما نیز نباید با استفاده از دلار، به اقتصاد دشمنان کمک کنیم. مبنای مرادوات ما در این حوزه باید حذف دلار از چرخه تجارت بین الملل باشد. می توانیم متناسب با شرکای تجاری خود، مبادلات را تنظیم کنیم؛ به عنوان مثال اگر حجم واردات بالایی از چین یا روسیه داریم، می توانیم عوارض را با ارز های ملی همین کشورها دریافت شود.

برای محاسبه این عوارض کدام الگو منطقی تر است؛ اخذ مبلغی ثابت از هر کشتی، یا دریافت درصدی از ارزش تجاری محموله کشتی ها؟

مبنا قرار دادن ارزش تجاری محموله ها الگوی منطقی تری است، زیرا در این حالت، عوارض به عنوان درصدی از فعالیت اقتصادی و ارزش افزوده در نظر گرفته می شود. با این حال، اصل موضوع این است که از این پس، هر شناسایی که قصد عبور از این آبراه را دارد، باید متناسب با میزان انتفاع اقتصادی خود از تردد در تنگه هرمز، سهم و عوارض مربوط به تأمین امنیت آن را به جمهوری اسلامی ایران پرداخت کند.

مدل های موفقیتی مانند «رژیم دریای بالتیک» نشان می دهد که همکاری چند جانبه، هم امنیت را افزایش می دهد و هم هزینه های تنش را کاهش می دهد. ایران می تواند ابتکار عمل چنین ساز و کاری را با وضع عوارض به همراه عمان در منطقه به دست بگیرد.

۳. تقویت دیپلماسی انرژی؛ هر چه صادرات انرژی ایران متنوع تر و پایدار تر باشد، نقش ایران در معادلات تنگه نیز پررنگ تر می شود. افزایش ظرفیت LNG، توسعه خطوط لوله جایگزین و مشارکت در پروژه های انرژی منطقه ای، ابزار های مهمی برای افزایش نفوذ ایران هستند.

۴. استفاده هوشمندانه از «قدرت ژئوپلیتیک» بدون تبدیل آن به تهدید دائمی؛ قدرت تنگه هرمز زمانی ارزشمند است که قابل پیش بینی و قابل اتکا باشد. تبدیل این گذرگاه به یک «اهرم فشار دائمی» ممکن است در کوتاه مدت اثرگذار باشد، اما در بلندمدت باعث ایجاد مسیرهای جایگزین و کاهش اهمیت تنگه می شود. ۵. توسعه سواحل مکران و ایجاد قطب های جدید تجارت دریایی؛ هر چه زیرساخت های ایران در سواحل جنوبی قوی تر باشد، سهم کشور از اقتصاد عبوری بیشتر خواهد شد. مکران می تواند به یک هاب انرژی و تجارت منطقه ای تبدیل شود.

تنگه هرمز تنها یک گذرگاه دریایی نیست، نقطه ای است که در آن ژئوپلیتیک، انرژی و امنیت جهانی به هم گره خورده اند. روزانه حدود یک سوم تجارت جهانی نفت و بخش مهمی از گاز طبیعی مایع از این آبراه عبور می کند؛ رقمی که آن را به یکی از حساس ترین نقاط اقتصاد جهانی تبدیل کرده است. برای ایران، تنگه هرمز نه فقط یک موقعیت جغرافیایی، بلکه یک سرمایه راهبردی است. سرمایه ای که می تواند در صورت مدیریت هوشمندانه، به اهرمی برای افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی کشور تبدیل شود. امنیت این گذرگاه، به طور مستقیم بر زنجیره تأمین جهانی و ثبات اقتصادی کشورها اثر می گذارد. با وجود موقعیت ممتاز، تاکنون سهم ایران از منافع اقتصادی و سیاسی این گذرگاه کمتر از آن چیزی است که می تواند باشد. ایران برای اینکه بتواند پس از جنگ تحمیلی از منافع تنگه هرمز استفاده حداکثری برد می بایست این اقدامات را صورت دهد:

۱. تبدیل تنگه هرمز به یک «دارایی اقتصادی» نه فقط امنیتی؛ ایران می تواند با توسعه خدمات بندری، لجستیکی، تعمیرات دریایی و بیمه ای، سهم خود را از اقتصاد عبوری افزایش دهد. امروز بخش عمده این درآمدها نصیب کشورهای دیگر می شود.

۲. ایجاد یک رژیم همکاری مشترک اخذ عوارض با عمان برای امنیت تنگه؛

**تنگه هرمز؛
از گذرگاه نفت تا
دارایی راهبردی ایران**

بابک اسماعیلی
کارشناس اقتصادی

بین الملل

دیدار ترامپ با دبیرکل ناتو در پی تهدیدات آمریکا برای خروج از این پیمان

به گزارش المیادین، دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا دیروز (چهارشنبه) با مارک روتنه دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در کاخ سفید دیدار کرد. این دیدار در بروجوه افزایش تنش ها در ناتو به دلیل تهدیدات آمریکا مبنی بر خروج از این پیمان پس از عدم حمایت ناتو از واشنگتن در جنگ علیه ایران، صورت گرفت.

بر اساس برنامه زمانی رئیس جمهور آمریکا، این نشست ساعت ۱۹:۳۰ به وقت گرینویچ در کاخ سفید، برگزار شد.

دونالد ترامپ اخیراً در گفتگو با «تلگراف» و «رویترز» تهدید کرد که به شدت در حال بررسی خروج آمریکا از ناتو است، زیرا متحدان اروپایی در جنگ با ایران و باز کردن تنگه هرمز از وی حمایت نکردند. ترامپ با تهدید قطع کمک به اوکراین، خواستار حضور اروپا در خاورمیانه شد.

ترامپ همواره نارضایتی خود را از موضع و عملکرد کشورهای عضو ناتو در طول تجاوز به ایران نشان داده است. این امر پس از آن صورت می‌گیرد که بسیاری از کشورهای ناوگان دریایی به منطقه برای شرکت در «بازگشایی تنگه هرمز» خودداری کردند، در حالی که کشورهای دیگر حتی اجازه استفاده آمریکا از پایگاه‌های خود را برای حمله به ایران ندادند.



دستاوردهای پوچ مرد دیوانه از آغاز جنگ با ایران؛

واکنش‌های جهانی به عقب‌نشینی ترامپ

برقراری آتش بس در حالی که واکنش‌های گسترده بین‌المللی همراه است که بسیاری از مقامات و تحلیلگران خارجی آن را نشانه شکست آمریکا می‌دانند. از سناتورهای و مقامات آمریکایی گرفته تا مسئولان برخی کشورهای غربی و حتی چهره‌هایی در اسرائیل، این عقب‌نشینی ترامپ و قبول شروط ایران برای مذاکره را یک شکست بزرگ برای آمریکا و رژیم صهیونیستی تلقی می‌کنند. اظهاراتی که از نگاه آنان، این رویداد را نشانه تقویت موقعیت و قدرت ایران در معادلات منطقه‌ای توصیف می‌کند.

تهدید به جنایت جنگی کند و بعد هم به هیچ‌عنوان پاسخگو نباشد. کنگره باید هرچه سریع‌تر تشکیل جلسه بدهد تا به این جنگ پایان دهد و او را برکنار کند.»

که طرح توافق ۱۰ ماده‌ای مورد مذاکره بین ایران و ایالات متحده به منزله یک موفقیت برای ایران است.

افزون بر اینها، «بن رودز» معاون مشاور امنیت ملی سابق آمریکا گفت با عقب‌نشینی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و اعلام آتش بس با ایران، جایگاه جهانی آمریکا از بین رفت. «رودز» در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی «ایکس» (تویتر سابق) نوشت: «در بهترین حالت، ترامپ برای بازگشایی تنگه‌ای که قبل از جنگ بی‌معنی که او آغاز کرد، باز بود، به توافق رسید و سپاه پاسداران کنترل خود بر تنگه را نشان داد و احتمالاً علاوه بر لغو تحریم‌ها، هزینه‌هایی را نیز دریافت خواهد کرد.»

گفتنی است، روزنامه عبری زبان معاریو گزارش داد، تل‌آویو و آمریکا از این جنگ با توافقی خارج شدند که به صورت کلی یک تسلیم راهبردی به شمار می‌رود. ۴۱ روز از جنگ گذشت و ۵ هزار ساختمان ویران شد اما در نهایت ایران پیروزی قاطع به دست آورد و حزب‌الله در لبنان در گذشته ظاهر خواهد شد.

در این گزارش آمده است: به نظر می‌رسد ایران و همپیمانانش تنها طرف‌هایی هستند که از این درگیری پیروزمندانه خارج شدند. ایران موفق شد آمریکا و تل‌آویو را به توافقی بکشاند که بیانگر تسلیم شدن آنها است. آمریکا و تل‌آویو از اهداف اعلام شده در این جنگ عقب‌نشینی کردند. ایران دست برتر را دارد.

«رابرت پیپ»، تحلیلگر سیاسی آمریکایی نیز در فضای مجازی، مفاد توافقنامه آتش بس بین واشنگتن و تهران را «شکست استراتژیک بزرگ» برای آمریکا توصیف کرد.

«پیپ» که استاد علوم سیاسی در دانشگاه شیکاگو و بنیانگذار پروژه «شیکاگو برای امنیت و تهدیدات (CPOST)» است، در پست خود تأکید کرد که این شکست بزرگترین شکست واشنگتن از زمان جنگ ویتنام است. وی گفت که پذیرش این شرایط، جایگاه ایران را به عنوان چهارمین کانون قدرت در جهان تثبیت می‌کند.

علاوه بر اینها، سناتور «اد ماری»، نماینده دموکرات کنگره آمریکا در واکنش به عقب‌نشینی دونالد ترامپ رئیس جمهوری این کشور از تهدیدات علیه زیرساخت‌ها و مردم ایران و برقراری آتش بس در شبکه ایکس نوشت: «از خبر توافق آتش بس با ایران خوشحالم اما به هر حال ما اصلاً نباید این در این جنگ غیرقانونی حضور می‌داشتیم.»

این سناتور دموکرات سپس با تأکید بر اینکه ترامپ در جنگ با ایران مرتکب جنایت جنگی شده، ادامه داد «رئیس جمهوری نمی‌تواند به همین راحتی



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

کنگره باید هرچه سریع‌تر ترامپ را برکنار کند

متن: «یائیر لاپید»، رئیس اپوزیسیون رژیم صهیونیستی صبح دیروز (چهارشنبه) با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: در تمام تاریخ اسرائیل هرگز چنین فاجعه سیاسی رخ نداده است. اسرائیل حتی زمانی که درباره مهم‌ترین مسائل امنیت ملی تصمیم‌گیری می‌شد، پشت میز مذاکره حضور نداشت.

رئیس اپوزیسیون اسرائیل تأکید کرد که «سال‌ها طول خواهد کشید تا خسارت‌های سیاسی و راهبردی‌ای که نتانیاهاو به دلیل تکبر، بی‌توجهی و نبود برنامه ریزی راهبردی ایجاد کرده، ترمیم شود.»

همچنین نایب رئیس شورای امنیت روسیه نیز در مطلبی در فضای مجازی تأکید کرد

یادداشت

فاجعه راهبردی برای آمریکا

امیر فرهمند
روزنامه‌نگار

در میانه هیاهوی رسانه‌ای و روایت‌سازی‌های پرطمطراق غربی، گاهی اعترافی از درون همان ساختار قدرت، بیش از صدها تحلیل بیرونی معنا دارد؛ این بار، صدای چنین اعترافی از زبان ایلان گلدنبرگ، یکی از چهره‌های شناخته‌شده در سیاست خارجی آمریکا شنیده شد؛ کسی که سابقه حضور در وزارت خارجه و پنتاگون را دارد و به خوبی از پشت‌پرده تصمیمات راهبردی واشنگتن آگاه است.

او با صراحتی کم‌سابقه، آنچه را «فاجعه کامل راهبردی» نامیده، توصیف می‌کند؛ تعبیری که اگر از زبان تحلیلگران مستقل یا منتقدان آمریکا بیان می‌شد، شاید به سادگی نادیده گرفته می‌شد، اما اکنون از درون اتاق فکر آمریکایی‌ها بیرون آمده است. ماجرا از چه قرار است؟ آیا این همان قمار بزرگی نیست که دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا، با محاسباتی اشتباه بر سر ایران آغاز کرد و اکنون بهای آن را در عرصه‌ای بسیار فراتر از خاورمیانه می‌پردازد؟

پروژه فشار حداکثری و تهدید نظامی نه تنها به اهداف اعلامی خود نرسیده، بلکه نتیجه‌ای معکوس داشته است. در حوزه هسته‌ای، آنچه باید متوقف می‌شد، همچنان پابرجاست. در حوزه توان نظامی، آنچه باید تضعیف می‌شد، نه تنها حفظ شده بلکه کارآمدی خود را در شرایط فشار نیز به نمایش گذاشته است.

اما نکته مهم‌تر، ابعاد فرمانطقه‌ای این شکست است. آمریکا با ورود به یک تنش پرهزینه در غرب آسیا، عملاً تمرکز راهبردی خود را از شرق دور و رقابت با قدرت‌های نوظهور، یعنی چین و روسیه، منحرف کرد. در این میان، مسکو و پکن، بدون آنکه هزینه‌ای مشابه بپردازند، از این وضعیت بهره‌برداری کرده‌اند. روسیه با تثبیت جایگاه خود در معادلات امنیتی و چین با گسترش نفوذ اقتصادی و راهبردی، عملاً از شکاف ایجاد شده در تمرکز آمریکا سود برده‌اند.

از سوی دیگر، وضعیت متحدان آمریکا نیز خود گویای عمق بحران است. به اذعان گلدنبرگ، کشورهای همسوی واشنگتن در منطقه خلیج فارس آسیب دیده‌اند و روابط آمریکا با اروپا نیز تحت فشار قرار گرفته است. این یعنی همان شبکه ائتلافی که قرار بود اهرم فشار علیه ایران باشد، اکنون خود به یکی از قربانیان این سیاست تبدیل شده است.

در سطحی بالاتر، حتی رژیم صهیونیستی نیز از این معادله سودی نبرده و بیش از پیش در انزوای جهانی فرو رفته است. این در حالی است که هدف اعلامی، افزایش امنیت برای این رژیم عنوان می‌شد.

قمار بر سر جنگ و فشار، نه تنها به مهار ایران نینجامید، بلکه موازنه قدرت جهانی را به زیان آمریکا تغییر داد. امروز، آنکه باید پاسخگوی این شکست باشد، نه تهران، بلکه واشنگتنی است که گمان می‌کرد با تهدید و تحریم، می‌تواند معادلات پیچیده منطقه‌ای و جهانی را به سادگی تغییر دهد.



یادداشت

جنگ پرهزینه ترامپ برای آمریکا و تلاش برای پایان آن

نوید شفیعی
روزنامه‌نگار

نزدیک به چهل روز از آغاز جنگی که آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران آغاز کردند گذشت؛ جنگی که در ابتدا با هدف نمایش قدرت و تغییر موازنه منطقه‌ای مطرح شد، اما به بحرانی پرهزینه برای واشنگتن تبدیل شد. در چنین شرایطی، دونالد ترامپ با پذیرش شرایط ایران و اعلام آتش بس تلاش می‌کند خود را از باتلاقی خارج کند که بسیاری معتقدند با محاسبات و فشارهای بنیامین نتانیاهو برای آمریکا رقم خورد.

در آغاز این جنگ، تصور بر این بود که آمریکا می‌تواند با یک عملیات محدود و کوتاه‌مدت دست بالا را در منطقه به دست آورد اما گذشت زمان نشان داد این درگیری نه تنها دستاورد مشخصی برای واشنگتن نداشته، بلکه هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی قابل توجهی برای آمریکا به همراه آورده است. جنگی که قرار بود نمایش قدرت باشد، اکنون برای دولت ترامپ به یک چالش جدی در داخل و خارج از آمریکا تبدیل شده است.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این جنگ، تغییر وضعیت تنگه هرمز است. این آبراه حیاتی پیش از آغاز درگیری‌ها یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان بود و عبور و مرور در آن بدون محدودیت انجام می‌شد. اما اکنون با تحولات نظامی رخ داده، انتظار می‌رود ایران کنترل آن را به عنوان یکی از شروط پایان جنگ در مذاکرات خود مطرح کند.

در عرصه بین‌المللی نیز شرایط مطابق انتظار آمریکا پیش نرفت. اتحادیه اروپا از همان ابتدا با تصمیم ترامپ برای ورود به جنگ با ایران همراهی نکرد. بسیاری از دولت‌های اروپایی این تصمیم را نشانه‌ای از سیاست‌های یک‌جانبه و منفعت‌طلبانه واشنگتن دانستند و ترجیح دادند وارد جنگی پرهزینه و بی‌نتیجه نشوند؛ رویکردی که اکنون آن را تصمیمی موفق ارزیابی می‌کنند.

در داخل آمریکا نیز پیامدهای جنگ به سرعت نمایان شد. افزایش قیمت انرژی و کالاها موجب تشدید نارضایتی‌های عمومی شد و محبوبیت ترامپ در طول این جنگ کاهش قابل توجهی یافت. برای افکار عمومی آمریکا دو مسئله بیش از هر چیز اهمیت دارد: افزایش قیمت‌ها و امنیت جان سربازان. این دو مورد از همان ابتدای جنگ مورد هدف قرار داده شد و فشار را بر دولت ترامپ بسیار بالا برد.

به این ترتیب جنگی که با خواسته نتانیاهو آغاز شد، برای ترامپ به قمار پرهزینه تبدیل شده است. اکنون رئیس‌جمهور آمریکا با اعلام آتش بس تلاش می‌کند این بازی باخته را مدیریت کند و دست کم در سطح رسانه‌ای آن را به گونه‌ای به پایان برساند که بتواند از آن تصویری از پیروزی یا موفقیت ارائه دهد.

آتش بس دو هفته‌ای نیازمند مراقبت‌های شدید مسئولان کشور به خصوص مذاکره‌کنندگان است؛

ملاحظات بلند برای آتش بسی کوتاه

که همگان در انتظار آغاز یک تقابل تمام‌عیار بودند، اعلام ناگهانی آتش بس موقت دو هفته‌ای از سوی ترامپ، صحنه را وارد مرحله‌ای پیچیده و چندلایه کرد.

بامداد چهارشنبه، جهان در یکی از نفس‌گیرترین لحظات سال‌های اخیر ایستاد؛ جایی که تهدیدات صریح آمریکا علیه زیرساخت‌های انرژی ایران و حملات رژیم صهیونیستی، با پاسخ‌های سنگین و هدفمند تهران به گلوگاه‌های حیاتی دشمن گره خورد. در حالی

سینا موسوی
روزنامه‌نگار

ترامپ درباره نفتا و خروج از برجام، گواهِ روشنی بر این بی‌تعهدی است. از این رو، در مذاکرات جاری باید از ورود به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و منطقه خاکستری پرهیز کرد و خطوط قرمز راهبردی همچون غنی‌سازی هسته‌ای و تسلط بر تنگه هرمز به هیچ وجه مورد بحث قرار نگیرد.

از سوی دیگر، هدف نهایی ائتلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی، به ویژه پس از ناکامی در پروژه‌های براندازی پس از شهادت رهبر شهید، فشار حداکثری برای فرسایش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران است. لذا ضرورت دارد ضمن حفظ آمادگی کامل نیروهای مسلح، سازوکارهایی همچون تشکیل صندوق بین‌المللی گرامت جنگ بر علیه ایران، لغو تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای حکام، رفع کامل تحریم‌ها، دریافت گرامت، توقف حملات به محور مقاومت و برچیده شدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، به‌طور جدی دنبال شود.

در نهایت، این آتش بس نه پایان بحران، بلکه صرفاً مکثی در مسیر تقابل است و هرگونه ساده‌انگاری نسبت به نیت واقعی دشمن، می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

در چنین شرایطی، اعلام آتش بس دو هفته‌ای از سوی ترامپ و پذیرش ضمنی چارچوب پیشنهادی ایران، بیش از آنکه نشانه‌ای از حسن نیت باشد، بازتاب شکست‌های میدانی و فشارهای اقتصادی گسترده بر آمریکا و متحدانش است. نابودی میلیارد‌ها دلار تجهیزات و تحمیل خسارات چند ده میلیارد دلاری به شرکای منطقه‌ای واشنگتن، اقتصاد جهانی را نیز در وضعیت شکننده‌ای قرار داده و بازارهای نفت را در کانال ۹۰ تا ۱۰۰ دلار نگه داشته است؛ بازاری که اگرچه به آتش بس واکنش مثبت نشان داد، اما همچنان با تردید به آن می‌نگرد. این موضوع نشانگر این است که باید به این آتش بس با چشم تردید نگریسته شود.

با این حال، این آتش بس در حالی که ایران در حال دست برتر یافتن بود، با انتقاد برخی دلسوزان مواجه شد، اما تأکید پیشین رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله‌عظمی مجتبی خامنه‌ای بر وحدت ملی، موجب همراهی کامل ملت ایران با تصمیم بر آتش بس موقت شد.

در عین حال واقعیت آن است که ترامپ به هیچ توافقی پایبند نیست؛ تجربه بازنگری توافق نفتا و بازنگری در بازنگری پیشین خود

ساعات ابتدایی بامداد چهارشنبه ۱۹ فروردین در شرایطی که منطقه در آستانه یک انفجار بزرگ قرار گرفته بود، تهدیدات دونالد ترامپ علیه زیرساخت‌های برق و انرژی ایران و حملات رژیم صهیونیستی به مراکز حمل و نقل و تأمین کنندگان پتروشیمی، فضای کم‌سابقه‌ای ایجاد کرده بود. در مقابل، ایران با حملات سنگین به تأسیسات انرژی و گلوگاه‌های حیاتی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن، نشان داد در صورت هرگونه تعدی، گزینه خاموشی سراسری منطقه روی میز است.

در چنین فضایی، اعلام آتش بس موقت دو هفته‌ای از سوی ترامپ با میانجیگری پاکستان، بیش از آنکه نشانه صلح باشد، بازتاب شکست‌های میدانی و فشارهای فزاینده اقتصادی بر واشنگتن است. پذیرش چارچوب ده‌ماده‌ای ایران در پیام ترامپ در تروث سوشال، به‌وضوح نشان داد که حتی «مرد دیوانه کاخ سفید» نیز از تغییر جهت حمایت‌های بین‌المللی به سود ایران و خسارات سنگین وارد شده به ماشین جنگی آمریکا و متحدانش به هراس افتاده است.

سیاست خارجی

مشیت محکم در انتظار نقض کننده آتش بس

در حالی که در بیانیه شورای عالی امنیت ملی ایران، حملات به محور مقاومت نقض آتش بس به شمار می‌آید، رژیم صهیونیستی از صبح روز چهارشنبه ۱۹ فروردین در حملاتی سنگین به جنوب لبنان و بیروت بیش از صدها شهروند لبنانی را به شهادت رساند. این حملات در حالی است که حزب الله لبنان نیز در همراهی با آتش بس، حملات و فعالیت‌های نظامی دفاعی خود را از ساعات ابتدایی چهارشنبه متوقف کرده بود.

در همین راستا بر اساس اعلام نخست‌وزیر پاکستان، آتش بس موقت شامل توقف حملات از سوی اسرائیل به ایران و حزب الله لبنان نیز شده است. در بیانیه شورای عالی امنیت ملی آمده است: ایران ضمن رد همه طرح‌های ارائه شده از سوی دشمن یک طرح ۱۰ ماده‌ای تدوین و به واسطه کشور پاکستان به طرف امریکایی ارائه کرد و در آن بر نکات اساسی همچون عبور کنترل شده از تنگه هرمز با هماهنگی نیروهای مسلح ایران که جایگاه منحصر بفرد اقتصادی و ژئوپلیتیکی به ایران اعطا می‌کند، ضرورت پایان جنگ علیه همه اجزاء محور مقاومت که به معنای شکست تاریخی تجاوزگری رژیم کودک‌کش اسرائیل



خواهد بود تأکید کرده است.

سکولاریسم در جنگ؟

سعید قاسمی
منتقد سینما

این روزها یک خط فکری مشخص در میان بخشی از هنرمندان و فعالان فرهنگی دیده می‌شود؛ تلاشی برای جدا کردن «ایران» از «نظام». جمله‌هایی از جنس «روی ایران توافق کنیم» یا «ایران فراتر از هر حکومتی است» در ظاهر بی‌خطر و حتی همدلانه به نظر می‌رسند، اما در لایه زیرین، حامل یک معنا هستند: کنار گذاشتن نظام از دایره ایران.

این نگاه، بیش از آن که یک موضع فرهنگی باشد، یک پروژه فکری است. نوعی سکولاریزه کردن مفهوم ایران؛ تقلیل آن به یک امر انتزاعی، بی‌ریشه در ساختار سیاسی و تاریخی اش. اما مسئله اینجاست که ایران واقعی، ایران روی زمین، هیچ وقت چنین موجود تفکیک‌پذیری نبوده. ایران، در طول تاریخش، خصوصاً در ۴۷ سال گذشته همیشه با نظم سیاسی اش تعریف شده؛ با دولت، با حاکمیت، با ساختاری که از دل آن امنیت، مرز و هویت شکل گرفته است.

این که امروز کسی بخواهد ایران را از نظام جدا کند، بیشتر شبیه یک صورت‌بندی ذهنی است تا یک واقعیت عینی. نمی‌شود از ایران حرف زد، اما نسبت خود را با ساختار حاکم بر آن معلق نگه داشت. این دو، هم عرض و در هم تنیده‌اند؛ حذف یکی، به معنای تهی کردن دیگری است.

تناقض وقتی پررنگ‌تر می‌شود که همین افراد، در دل همین ساختار، کار می‌کنند، بودجه می‌گیرند و اثر تولید می‌کنند؛ جالب اینجاست که برخی از این اشخاص حتی درباره جنگی که همین نظام، مدیریت و هدایتش کرده؛ سریال می‌سازند، پروژه می‌گیرند، اما در سطح گفتار، تلاش می‌کنند مرز خود را جدا کنند. این دیگر صرفاً یک اختلاف نظر نیست؛ نوعی دوگانه‌سازی آگاهانه است.

نقد این نگاه، به معنای بستن باب گفت‌وگو نیست، بلکه دقیقاً برعکس؛ یادآوری یک واقعیت است. ایران، یک مفهوم شناور و بی‌ریشه نیست که هر کس بتواند آن را مطابق میل خود بازتعریف کند. ایران، با تک تک اجزای هویت‌ساز خود معنا پیدا می‌کند؛ همان‌طور که نظام، بدون ایران، موضوعیت ندارد.

اگر قرار است از ایران حرف بزنیم، باید آن را در کلیتش ببینیم - با همه پیچیدگی‌ها، تناقض‌ها و واقعیت‌هایش. جدا کردن این دو، بیشتر شبیه ساده‌سازی مسئله است تا فهم آن.

معادله یک‌طرفه سلبریتی‌ها؛

آن‌ها که بیشتر منتفع شدند طلبکارترند

در ابتدای جنگ رمضان به‌سر می‌بردیم. سلبریتی‌ها به دلیل مشخص نبودن وضعیت نظم سیاسی مستقر از اظهار نظر در مورد جنگ خودداری می‌کردند و از وطن و ایران انتزاعی‌شان دم نمی‌زدند. در این میان تنها بخش کوچکی از چهره‌های شناخته‌شده که باور قلبی به نظام اسلامی داشتند پای کار آمدند و از حق شهروندی خود در بیان صریح شعار مرگ بر آمریکا و

مرگ بر اسرائیل استفاده کردند. در این میان بازیگری همچون «مالک سراج» که طرفی با هیچ‌کس نیست بود در همان روزهای آغازین پرچم ایران به دست در صحنه حاضر شد و با مشت گره‌کرده بر دهان کثیف استعمار کوبید. در آنسوی میدان اما آن‌هایی که از قبل نظام منتفع شده بودند ساکت ماندند تا ببینند آینده چه می‌شود



ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

جنگ نا جوانمردانه و حقیرانه آمریکای جهانخواهر و سگ زنجیری اش که علیه مردم ایران آغاز شد، بسیاری از امدادگران هلال احمر تا مردم عادی و مهم‌ترین حلقه این جنگ یعنی، نظامیان و به‌ویژه رزمندگان دلاور هوا و فضا پای کار ایران اسلامی حاضر شدند و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی به میدان آمدند. در واقع مدافعان واقعی وطن و اسلام این افراد گم‌نام و کم‌نام و نشان بودند.

اما متأسفانه رویه‌ای که از سال‌ها پیش به‌وجود آمده نشان می‌دهد که در زمان آرامش و برقراری امنیت، این سلبریتی‌ها و طیف غرب‌گرای آن‌ها هستند که از مزایای موجود بیشترین بهره را می‌برند و به ریش باقی افراد در حریم امن ایران می‌خندند! آن‌ها برخلاف افرادی نظیر مالک سراج، داریوش ارجمند، مریلا زارعی و... از هیچ موضع درست و موجهی برخوردار نیستند که ما بتوانیم با آن‌ها سر‌تعدادی از سرفصل‌ها و مواضع به توافقی ولو حداقلی برسیم! اما مسئله تنها این نیست، مشکل از جایی آغاز می‌شود که این اشخاص به‌مثابه مگس دور شریینی با محاسبه هزینه و فایده به انجام فعل و ترک فعل می‌پردازند و به هیچ نهاد و دسته‌ای هم پاسخگو نیستند.

چطور می‌شود «احسان علیخانی» که به مدت بیش از دودهم حضور در رسانه ملی و بهره‌مندی

از پول بیت‌المال برای خودش شهرتی دست‌وپا کرده، نزدیک به بیست روز ساکت مانده و حرفی نزنند تا در انتها با جملات مجهول، تنها ما را یاد عظمت و بزرگی ایران ببیند؟ ما خود به بزرگی تمدن اسلامی-ایرانی خود واقفیم و نیاز نداریم که مجری ماه عسل به زحمت بیفتد و با زبانی الکن بزرگی مملکت را در پهنه تاریخ به یاد عوام بیاورد.

یا رامبد جوان که با استفاده از کلمات بی‌خاصیت و خنثی سعی داشت خودی نشان دهد تا از مواهب زندگی در شرایط صلح بی‌بهره نماند! همه این‌ها نشان می‌دهد که جاده سلبریتی بازی با توجه به تمایل موجود در فرایند نرمالیزاسیون پایانی ندارد و این امثال مالک سراج و داریوش ارجمند خواهند بود که باید بایکوت شدن را در آینده نزدیک به جان بخرند.

کافی است سال ۱۴۰۱ را به یاد بیاوریم؛ در آن ایام که خوانندگان موسیقی پاپ برای اجرای کنسرت ترس و واهمه داشتند این مرحوم «امید جهان» بود که طلسم را شکست و جلودار اجراهای صحنه‌ای شد، اما در ادامه او که پای وطن و اعتقادش ایستاده بود به‌سختی توسط تهیه‌کنندگان و دیگر دست‌اندرکاران منزوی شد و در نهایت زندگی اش زمستان تلخی را تا خاموش شدن چراغ عمر تجربه کرد. نشئه زندگی عادی چنان جریان فرهنگ و هنر ایران را در بر گرفته که نمی‌توان از شر آن به این زودی‌ها خلاص شد. تاک‌شو‌ها و سریال‌ها و فیلم‌ها به‌شکل آمریکایی و غربی ادامه پیدا خواهند کرد!

استوری محمدحسین میثاقی، از آن جنس حرف‌های سرراست و بی‌پرده‌ای است که این روزها کمتر کسی حاضر است به زبان بیاورد. دقیقاً دست‌گذاشته روی همان نقطه‌ای که خیلی‌ها سعی کردند از کنارش بی‌صدار شوند.

اینکه بعد از چهل روز، تازه عده‌ای «یادشان» می‌افتد برای کشورشان چند کلمه بنویسند، چیزی نیست که بشود ساده از کنارش گذشت. این تأخیر، اتفاقی نیست؛ محصول همان صبر حسابگرانه‌ای است که منتظر می‌ماند ببیند اوضاع به کدام سمت می‌رود، بعد تصمیم می‌گیرد وارد میدان شود یا نه. میثاقی دارد یک خط روشن می‌کشد؛ بین آن‌هایی که از روز اول ایستادند و هزینه دادند، با آن‌هایی که صبر



نقطه‌زنی میثاقی

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۱

■ آدرس: خ سبهدقربنی خ شادادب پلاک ۲۲ واحد پنچ

■ چاپخانه: صمیم

■ nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگی

C U L T U R A L

■ پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۱

گزارش روز

از مقاومت‌متان چه روایتی می‌سازیم؟

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

در هر جنگی، آنچه در نهایت ماندگار می‌شود صرفاً نتیجه میدانی نیست. «روایت» آن جنگ از میدان چه بسا مهم‌تر باشد. روایتی که می‌تواند شکست را به پیروزی بدل کند یا پیروزی را کم‌رنگ و بی‌اثر جلوه دهد. امروز که پس از ۴۰ روز درگیری، آتش‌بسی موقت برقرار شده، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد که روایت این ایستادگی چگونه شکل بگیرد و در حافظه جمعی ثبت شود.

در این روایت، قهرمان اصلی باید مردم باشند. همان مردمی که فشار اقتصادی، تهدید امنیتی و جنگ روانی را هم‌زمان تحمل کردند و در عین حال از وطن خود دست‌نکشیدند. این مردم بودند که ستون پایداری را ساختند، نه چهره‌های پرزرق‌وبرق و سلبریتی‌هایی که در بزنگاه‌ها سکوت کردند یا حتی در زمین روایت دشمن بازی کردند. طبیعی است که در روایت ملی، جایگاه این افراد به حاشیه رانده شود و در مقابل، مردم متعهد و نیروهای وفادار به آرمان‌های انقلاب، سهم بیشتری در آینده کشور پیدا کنند.

بخش مهم دیگر این روایت، تأکید بر ماهیت جنگ است؛ جنگی نامتقارن که در آن کشوری تحت فشار، در برابر قدرت‌های بزرگ جهانی ایستاد. باید این تصویر به درستی ترسیم شود: ایرانی که در عین مظلومیت، مقتدرانه مقاومت کرد و نشان داد که می‌تواند بدون اتکا به بلوک‌های قدرت، از تمامیت ارضی خود دفاع کند. این ترکیب «مظلومیت و استحکام» همان نقطه‌ای است که می‌تواند افکار عمومی داخلی و حتی جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین باید بر این نکته تأکید شود که آتش‌بسی پایان ماجرا نیست، بلکه بخشی از یک مسیر طولانی است. روایت درست، نه ساده‌انگارانه خوش‌بین است و نه دچار ترس و تردید می‌شود. این روایت هوشیار، واقع‌بین و مبتنی بر تجربه تاریخی است.

در نهایت، جنگ‌ها با گلوله تمام می‌شوند، اما با روایت‌ها ادامه پیدا می‌کنند. هر ملتی که روایت خود را درست و قدرتمند بسازد، آینده را نیز به نفع خود شکل خواهد داد.